

## نقش نظام بانکی در رونق تولید

گفت‌وگو با دکتر وحید شقاقی شهری (استادیار گروه آموزشی اقتصاد و بانکداری اسلامی دانشکده اقتصاد دانشگاه خوارزمی)



مریم رجب‌زاده: به طور معمول، واحدهای تولیدی منابع مالی مورد نیاز خود را از طریق چهار منبع عمده تامین می‌کنند که شامل: بانک‌ها و موسسات مالی داخلی، صندوق توسعه ملی، بازار سرمایه و در نهایت خطوط اعتباری و سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد. بسیاری، اقتصاد ایران را اقتصادی، بانک محور معرفی می‌کنند که بخش عمده‌ای از بار مسوولیت تأمین منابع مالی مورد نیاز واحدهای تولیدی کشور را بر عهده دارد. در شرایطی که موانع و عوامل بیرونی همچون تحریم‌ها، استفاده از بازار سرمایه و سرمایه‌گذاری بخش خارجی را محدود می‌کند، نقش بانک‌ها در این زمینه، پررنگ‌تر شده و حجم بسیاری از درخواست‌های نقدینگی به سمت بانک‌ها سوق یافته است. سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا نظام بانکی کشور، می‌تواند پاسخگوی چنین نیازی باشد؟ و در سالی که با عنوان «تولید، پشتیبانی‌ها و مانع‌زدایی‌ها» نامگذاری شده است، نظام بانکی چه نقشی می‌تواند داشته باشد و ایفای چنین نقشی، نیازمند چه اصلاحاتی در نظام بانکی کشور است؟ از این رو در گفت‌وگوی حاضر، نقش نظام بانکی در رونق تولید مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

## با تشکر از پذیرش دعوت دبیرخانه فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های اداری، در ابتدا تعریف مختصری از نظام بانکی ارایه بفرمایید.

شاید یکی از مهم‌ترین نظام‌های اقتصادی هر کشوری نظام بانکی آن کشور است، نظام بانکی به عبارتی شبیه قلب انسان است و خون را می‌گیرد و تسویه می‌کند و دوباره به اندام انسان پمپاژ می‌کند؛ به عبارتی وظیفه خون‌رسانی و پمپاژ را دارد.

## همان‌طور که مستحضر هستید شعار سال ۱۴۰۰ از سوی مقام معظم رهبری، «تولید، حمایت‌ها و مانع‌زدایی‌ها» انتخاب شده است. به نظر شما آیا نظام بانکی در وضعیت حال حاضر تولید کشور ما، دخیل است؟ چگونه؟

همان‌طور که گفته شد، عملکرد نظام بانکی در اقتصاد، مانند عملکرد قلب در بدن انسان است؛ یعنی سپرده‌های مردم را جذب می‌کند، خودش هم می‌تواند خلق اعتبار و نقدینگی داشته باشد و می‌تواند این نقدینگی را به بخش‌های مولد اقتصاد، بنگاه‌های تولیدی و به فعالیت‌های اقتصادی پمپاژ کند. اگر این سیستم قلب اقتصادی درست کار کند، می‌تواند خون را بگیرد و تصفیه درستی انجام دهد و خون سالم را بهموقع، به اندام‌های انسان برساند تا انرژی به اندام‌ها برسد تا بتوانند تحرکی داشته باشند. ولی اگر قلب اقتصادی نتواند خوب کار کند، هم نمی‌تواند خوب خون را جذب

کند، هم نمی‌تواند تصفیه کند و نمی‌تواند به اندام‌هایی کلیدی انسان که خون نیاز دارند برساند و ممکن است یک جایی خون را به یک بخش‌هایی ارسال کند که اصلاً فایده‌ای ندارد. حتی این ایراد خون‌رسانی می‌تواند بیماری‌های دیگری را در اقتصاد ایجاد کند. عملکرد نظام بانکی از این نظر مهم است که شبیه عملکرد قلب انسان است. یعنی سپرده‌های مردم را می‌گیرد، خودش هم می‌تواند خلق اعتبار و نقدینگی کند و این نقدینگی را به صورت تسهیلات به بخش‌های مولد اقتصاد وارد کند.

اما نظام بانکی ما ایرادات و مسائل اساسی دارد و تا زمانی که این سیستم بانکی اصلاح نشود این وظیفه خون‌رسانی را نمی‌تواند به درستی انجام دهد و ما شاهد انحراف در منابع تخصیصی خواهیم بود و تسهیلات به هدف نمی‌رسد، بازتوزیع درستی انجام نمی‌شود و می‌تواند موجبات فساد و رانت را در پی داشته باشد. از یک طرف هم این نقدینگی به آن بخش‌های مولد اقتصادی هدایت نمی‌شود و آن‌ها با کمبود سرمایه در گردش مواجه می‌شوند و از طرف دیگر، این نقدینگی به بخش‌های غیر مولد و سوداگری پمپاژ می‌شود که موجبات افزایش قیمت و تورم را در بازار دارایی و بخش‌های سوداگری افراطی ایجاد می‌کند.

سیستم بانکی ما درست ایجاد نشده است و ساختار معیوبی دارد. در سال ۱۳۸۰ که بانک‌های خصوصی ایجاد شدند، چون نظام بانکی ما ساختار درستی نداشت، بر این ساختار معیوب این بانک‌های خصوصی هم سوار شدند و اوضاع به جای بهبود بدتر شد. یعنی



مدیریت دولتی است. هم بانک‌های دولتی که تحت نظر دولت هستند و هم بانک‌های خصوصی، به نحوی مجبور هستند که با بخش مدیریت دولتی بده بستان داشته باشند و این مسائل، استقلال نظام بانکی را از بین می‌برد. لازم به ذکر است که بانک مرکزی هم ضعف‌هایی داشته است و نتوانسته است به خوبی بر سیستم بانکی نظارت کند و ماحصل این شده است که ما شاهد خلق نقدینگی بسیار بالایی در سیستم بانکی هستیم. تسهیلات هدفمند نیست و به هدف اصابت نمی‌کند. فساد هم در حوزه منابع بانکی وجود دارد.

بنابراین در پاسخ به سوال شما، می‌توان اینگونه جمع‌بندی کرد که نظام بانکی نتوانسته است نقش خود را در بحث توسعه زیرساخت‌ها و توسعه اقتصادی و حمایت از سرمایه در گردش، درست ایفا کند و این خون را به درستی به بخش مولد اقتصادی پمپاژ کند.

### برخی از هدایت نقدینگی به سمت تولید صحبت می‌کنند؟ نظر شما در این باره چیست؟

نظام بانکی که این وظیفه را انجام نمی‌دهد و باید ساختارها و شرایط اصلاح شود تا نقدینگی به سمت بخش مولد هدایت شود. شما یک بخش غیرمولد دارید که این بخش غیرمولد یا سوداگری افراطی هیچ مانعی در مقابل ندارد، سودآوری بالا و ریسک پایین دارد و یک بخش مولد داریم با انبوهی از موانع و مشکلات. این شرایط باعث می‌شود که جریان نقدینگی‌ای که در اقتصاد ایران وجود دارد، به سمت غیرمولد باشد و این هم دستوری نیست که با دستور به سمت مولد حرکت کند. شبیه این است که یک سطح شیب‌دار وجود دارد، در قسمت بالای این سطح، بخش مولد قرار گرفته است و در قسمت پایین سطح، بخش غیرمولد قرار دارد. وقتی که آب را رها می‌کنید، آب به سمت بالا جریان پیدا نمی‌کند و به دلیل نظام جاذبه‌ای که وجود دارد، به سمت پایین جاری می‌شود. شرایط کشور ما هم به این شکل است، پایین آن بخش غیرمولد است و بالای آن بخش مولد است. جریان نقدینگی همان آب است، این جریان نقدینگی که وجود دارد اگر پمپاژ نشود، به سمت غیرمولد حرکت می‌کند. دلیل آن هم روشن است؛ سوداگری افراطی ریسک پایینی دارد و سودآوری بالا بالعکس بخش مولد، ریسک بالا دارد و سودآوری پایین و کلی موانع کسب‌وکار، انحصار و دیگر موانع اقتصاد کلان وجود دارد. برابر این جریان نقدینگی، ناخودآگاه به سمت پایین و بخش غیرمولد است و با دستور هم نمی‌توان آن را تغییر داد. بارها به بانک‌ها دستور داده شده است که تسهیلات به بخش مولد داده

زمانی که شما نمی‌توانید پی یک ساختمانی را طراحی کنید، هر چقدر بنا را بلندتر کنید وقتی پی یک ساختمان ایراد دارد ممکن است اوضاع بدتر شود و شکنندگی بیشتر می‌شود. پی ساختمان باید خوب طراحی شود و آماده شود تا بتوانید طبقات را اضافه کنید. ولی وقتی این نظام بانکی ما پی‌ریزی درستی نداشت، از سال ۱۳۸۰ که بانک‌های خصوصی به عنوان طبقات به این پی ایجاد شده اضافه شدند، اوضاع بدتر شد و الان به یک وضعیتی دچار شده‌ایم که سیستم بانکی ما از یک طرف، توان جذب سپرده‌ها را ندارد و از طرف دیگر، بر خلق پول و اعتباری که انجام می‌دهد، نظارتی صورت نمی‌گیرد و بی‌مهابا خلق اعتبار می‌کند و به خوبی نمی‌تواند این نقدینگی را به بخش‌های مولد اقتصاد پمپاژ کند و ساختار نظام بانکی الان معیوب است. همه جای دنیا در بانک‌ها یک تقسیم‌بندی وجود دارد. بانک‌های تجاری - خدماتی از بانک‌های سرمایه‌گذاری جدا هستند. یعنی ما بانک‌هایی داریم که وظیفه آن‌ها سرمایه‌گذاری است که این‌ها سپرده‌ها را جذب می‌کنند و خودشان هم می‌توانند خلق اعتبار کنند. ولی مأموریت آنان بحث مشارکت و یا حمایت از سرمایه‌گذاری است. یک گروه از بانک‌ها هم هستند که بانک‌های تجاری - خدماتی هستند که آن‌ها فقط خدمات بانکی و پولی ارائه می‌دهند. در کشور ما چنین تفکیکی وجود ندارد و همه بانک‌ها هر کاری را انجام می‌دهند و هم خدمات بانکی و پولی ارائه می‌دهند و هم بنگاه‌داری می‌کنند و هم خدمات سرمایه‌گذاری یا مشارکت در سرمایه‌گذاری را انجام می‌دهند. قوانین و مقررات حاکم بر نظام بانکی ما از سوی بانک مرکزی تنظیم می‌شود که بخش خدمات بانکی و پولی را تا حدودی پوشش می‌دهد؛ ولی برای بحث نحوه مشارکت بانک‌ها در سرمایه‌گذاری یا ارائه تسهیلات به سرمایه‌گذاری، ضعف قوانین و مقررات و نهادسازی‌ها وجود دارد و ما در این بخش دوم مسئله داریم و می‌بینیم که این نظام بانکی ما نمی‌تواند خدمات درست را برای بخش سرمایه‌گذاری و توسعه سرمایه‌گذاری انجام دهد و خودش هم درگیر بنگاه‌داری می‌شود.

البته باید توجه داشت که نظام بانکی در دل نظام اقتصادی تعریف می‌شود و وقتی نظام اقتصادی هم ایراد دارد، نظام بانکی هم که با این نظام اقتصادی، تعامل دارد می‌تواند علت و هم معلول وضع موجود باشد. یعنی هم می‌تواند علت مشکلات نظام اقتصادی باشد و هم می‌تواند معلول نظام اقتصادی ناکارآمد باشد. لذا ساختار نظام اقتصادی ما هم ایراداتی دارد که نظام بانکی را هم تحت تاثیر خود قرار می‌دهد و ماحصل این می‌شود که متهم اصلی در حوزه نظام مسائل اقتصادی ایران، نظام بانکی است. در حالی که خود نظام بانکی وابسته به

نمی‌کند. وقتی که شما با انبوهی از موانع کسب‌وکار مواجه هستید، بانک یک بنگاه اقتصادی است و می‌گوید من اگر این تسهیلات را به این کسب‌وکارهای خرد و متوسط که با انبوهی از موانع مواجه هستند ارائه دهم، پول می‌رود و دیگر به من باز نمی‌گردد. لذا بانک‌ها به روش‌های مختلف تلاش می‌کنند که پول را به بخش مولد ندهند و می‌دانند که اگر این پول به بخش مولد برود دیگر باز نمی‌گردد. من وام را به شما می‌دهم و شما کسب‌وکار راه می‌اندازید؛ ولی کسب‌وکار رونق نگیرد و نتوانید تسهیلات را به صورت اصل و سودش بازگردانید. لذا از این مسئله گریزان هستند و علاقمند نیستند و به همین دلیل است که می‌گوییم که این ساختار باید اصلاح شود تا زمانی که بخش مولد ما با انبوهی از موانع مواجه است و بخش غیرمولد ما هیچ‌گونه مانعی در مقابل ندارد، بانک‌های ما در این ساختار علاقمند هستند که جریان نقدینگی به سمت جریان غیرمولد حرکت کند و تسهیلات به این سمت‌ها بیشتر هدایت می‌شوند.

### **در روند زنجیره تولید ملی نظام بانکی غیر از اعتباری که داده می‌شود و نقدینگی که به بخش مولد تزریق می‌شود. نظام بانکی چه نقش دیگری می‌تواند در روند زنجیره تولید ملی داشته باشد؟**

نظام بانکی ما مانند قلب انسان اگر سالم باشد و درست کار کند، فشار خون ایجاد نمی‌شود. فشار خون یعنی تورم؛ یعنی خون را به موقع و به اندازه و به کل اندام انسان به صورت یک نواخت توزیع می‌کند، سیستم بانکی ما الان خلق نقدینگی می‌کند، بدون ضابطه و انضباط و خودش هم درگیر بنگاهداری شده است، کلی مطالبه معوق ندارد و نمی‌تواند نقدینگی را درست پمپاژ کند و تسهیلاتی که می‌دهد باز گردانده نمی‌شود، لذا یک ناترازی ایجاد می‌شود و مجبور می‌شود مجدد خلق نقدینگی کند و این خلق موجب رشد نقدینگی شده و رشد نقدینگی هم ریشه‌اش رشد تورم است. مثال ساده این است: بدن ما یک میزان مشخص خون ثابت دارد و اگر این خون به درستی جریان پیدا کند، دیگر لازم نیست به بدن ما خون تزریق شود؛ چون قلب انسان این خون را می‌گیرد و تصفیه می‌کند و مجدد باز به اندام انسان باز می‌فرستد و این مسیر طی می‌شود. ولی وقتی که این خون به بدن انسان پمپاژ می‌شود و به قلب باز نمی‌گردد تا دوباره تصفیه و پمپاژ کند، یعنی یک جایی خونریزی داریم و یک مشکلی ایجاد شده است که این خون مجدد به قلب باز نمی‌گردد و کمبود خون پیدا می‌شود و باید خون تزریق شود. در بانک هم به همین صورت است وقتی که نقدینگی و تسهیلات داده می‌شود و باز نمی‌گردد، این‌ها مطالبات معوق می‌شود، حالا یا این تسهیلات

شود ولی با دستور این اتفاق نمی‌افتد و حتما لازم است که جای این سربالایی و سربایینی بالعکس شود. یعنی باید موانع تولید برداشته شود و ریسک فعالیت‌های مولد، پایین بیاید و سودآوری بالا برود و بالعکس، با سیاست‌های سلبی، ریسک فعالیت‌های غیرمولد، بالا رود و سودآوری آن پایین بیاید. ولی الان بالعکس است. جریان نقدینگی چه زمانی به سمت بخش مولد حرکت می‌کند؟ زمانی که احساس کنید اگر سراغ دلار بروید، به این دلیل که دلار ریسک بالا دارد و سودآوری آن هم پایین است، متضرر خواهید شد و بالعکس اگر پول خود را در تولید بگذارید، ریسک پایین و سودآوری بالا دارد. اما این وضعیت، در حال حاضر، بالعکس است. الان همه دوست دارند که به سمت سوداگری افراطی بروند؛ چون هیچ مانعی ندارد و ریسک آن پایین است و سودآوری بالا دارد و اقتصاد ایران هم یک اقتصادی با نوسانات، ابهامات و پیش‌بینی ناپذیری‌ها که موجب شده است که نقدینگی ناخودآگاه به سمت بخش‌های غیرمولد حرکت کند و سیستم بانکی هم علاقمند به همین کار است. وقتی که بدن انسان خوب کار نکند، قلب هم ناخودآگاه وقتی خون را پمپاژ می‌کند، و بخشی از رگ‌های انسان هم گرفته باشد، این خون به جای دیگری پمپاژ می‌شود. پس باید این رگ‌ها باز شود تا خون به آن‌ها برسد. برای اینکار باید شما موانع بخش مولد را بردارید. یک مانعی وجود دارد که خون نمی‌رسد و باعث گرفتگی رگ شده است، باید این رگ باز شود. یعنی موانع را بردارید و اگر نمی‌خواهید خون به اندامی که مناسب نیست، بیشتر پمپاژ شود، باید جلوی آن مانع بگذارید. یک جاهایی ما این کارها را انجام می‌دهیم. مثلا پزشک سعی می‌کند یک رگ را گشادتر کند و یا ببندد، در غیر این صورت فشار خون بالاتر می‌رود و باعث پارگی رگ می‌شود. از این نظر که نظام بانکی ما هم علت و معلول همین مسئله است و با بدنه اقتصاد رابطه علت و معلولی دارد و تا زمانی که نظام اقتصادی اصلاح نشود، این بانک هم نمی‌تواند کار خود را به خوبی انجام دهد و خواسته و ناخواسته نقدینگی را به سمت بخش غیر مولد پمپاژ می‌کند.

### **یک سری طرح‌ها گذاشته بودند، به طور مثال به کسب‌وکارهای زود بازده اعتبار بدهند. این طرح‌ها چگونه به نتیجه نرسیدند؟**

نظام بانکی دستورپذیر نیست و ما اقتصادرانی نمی‌توانیم با دستور اداره کنیم. همانطور که افراد با دستور نمی‌توانند اداره شوند. نمی‌توانیم دستور دهیم که این کار را انجام دهید باید آن ساختارها اصلاح شود. تسهیلات به بنگاه‌های زودبازده و به کسب‌وکارهای خرد و امثال این‌ها هم دولت دستور می‌دهد ولی ساختارها را اصلاح

## برخی در مورد استقلال بانک مرکزی صحبت می‌کنند، آیا این راهگشا خواهد بود؟

هر چقدر بانک مرکزی استقلال بیشتری داشته باشد، می‌تواند سیاست‌های پولی را فارغ از سیاست‌های بودجه‌ای، مالی و سایر سیاست‌ها تنظیم کند و اجازه نمی‌دهد که دولت‌ها به منابع بانک‌ها دست‌درازی کنند و سیاست‌های پولی - بانکی را با قدرت و قوت بیشتری اعمال کند و اجازه ندهد که سیاست‌های پولی - بانکی فدای سیاست‌های بودجه‌ای و مالی و دیگر سیاست‌ها شود. یک مقداری می‌تواند وضعیت سیستم بانکی ما را بهتر کند. ولی در مجموع باید بپذیریم که اصلاح ساختار بانک‌ها هم بسیار مهم است.

## به نظر شما اولین گام دولت سیزدهم برای اصلاح نظام بانکی در راستای مانع‌زدایی از تولید چه می‌تواند باشد؟

اصلاح نظام بانکی کار سختی است و نیاز به مطالعه و بررسی‌های عمیق‌تر دارد، ولی حداقل دولت سیزدهم می‌تواند نظارت بانک مرکزی را بر بانک‌ها تقویت کند، بانک‌های بد را از بانک‌های خوب جدا کند، ما یک سری بانک بد داریم که ناترازی بالایی دارند، آن‌ها را از هم جدا کند. اجازه ندهد که بانک‌های بد بی‌مه‌با با خلق نقدینگی کنند و جلوی رشد فزاینده ترازنامه بانک‌های بد را بگیرد و محدودیت بگذارد و بانک مرکزی نظارت بیشتری بر شاخص‌های حیاتی بانک‌ها داشته باشد، یک مقداری به بانک‌ها نظم داده می‌شود که بانک‌ها بی‌مه‌با به خلق نقدینگی نپردازند، ترازنامه‌های آنها بدون در نظر گرفتن شاخص‌های دیگر اضافه نشود و موجب می‌شود که بانک‌ها در تسهیلات دادن و منابع یک مقداری دقیق‌تر عمل کنند و جلوی مطالبات معوق بانک‌ها گرفته می‌شود. به نظر من اگر بانک مرکزی مقتدرتر عمل کند، می‌تواند بخشی از مسائل عمومی نظام بانکی را اصلاح کند ولی بخشی نیازمند آن است که باید ساختار بانکی که اشاره کردم اصلاح شود.

به رفقا و آشنایان داده شده و یا تسهیلات درست امکان‌سنجی و اعتبارسنجی نشده است و تسهیلات رفته است و به دلایل مختلفی افراد نتوانسته‌اند آن را بازگردانند؛ این می‌شود مطالبه معوق. هر چقدر مطالبه معوق بیشتر می‌شود و دارایی‌های غیرواقعی و مهومی بانک‌ها بیشتر می‌شود (بانک خودش زمین و بنگاه خریده است ولی از آن‌ها نمی‌تواند استفاده کند) اینجا ناترازی ایجاد می‌شود و مجبور می‌شود که مجدد خلق نقدینگی انجام دهد. مثل خونی که از بیرون تزریق می‌شود، این یعنی رشد نقدینگی و این عامل تورمی است که در اقتصاد است. یکی از مهم‌ترین ریشه‌های تورم، خلق نقدینگی سیستم بانکی است که توسط بانک‌ها ایجاد می‌شود.

## اشاره کردید که رانت وجود دارد و تسهیلاتی که می‌دهند شفاف نیست. چگونه می‌توانیم این‌ها را اصلاح کنیم و چه راهکاری برای آن پیشنهاد می‌دهید؟

ساختار بانکی که باید اصلاح شود و با این ساختار معیوب نظام بانکی همانطور که گفتم چون پی‌ریزی آن ایراد دارد هر چقدر بر تعداد بانک‌ها افزوده شده است شکنندگی این پی بیشتر شده است. ساختار سیستم بانکی باید اصلاح شود، یعنی شما باید یک نوع بانک‌های تخصصی سرمایه‌گذاری داشته باشید که یک ضوابط سرمایه‌گذاری بر آن‌ها حاکم است. یک سری بانک‌های تجاری و خدماتی هم داشته باشید. این‌ها از هم تفکیک شوند. بانک‌های سرمایه‌گذاری یک مأموریت دارند که باید هیات مدیره و کارکنان و ضوابط حاکم با این بانک‌های تجاری متفاوت باشند. چون آنها وظیفه دیگری دارند. اما در شرایط فعلی چون این دوتا یکی شده است و مثلاً بانک ملی همه کار را انجام می‌دهد، یعنی هم به شما خدمات بانکی - پولی می‌دهد هم برای سرمایه‌گذاری تسهیلات می‌دهد. این ساختار بانک‌های فعلی ما پاسخگوی بحثی که گفتم نیست، لذا باید ساختار اصلاح شود و تا زمانی که ساختار اصلاح نشود همچنان ما این مسائل را در سیستم بانکی خواهیم داشت.